

زیر پوست کولبری / نگاهی به زنان خانواده کولبران در یک تحقیق کیفی-آماری

پیشگفتار؛

معضل کولبری تنها دربرگیرنده کشتار کولبران در مناطق مرزی نیست که تصویر مردان کولبری را نشان می‌دهد که نبود کار آنها را مجبور کرده در کوه‌ها و راه‌های صعب‌العبور بدنبال تامین نان باشند. بلکه ابعاد این معضل اجتماعی و فاجعه انسانی به بطن جامعه، زندگی، خانه و خانواده کولبران راه می‌آید و عوارضش زندگی زنان و فرزندان خانواده کولبران را تحت تاثیر قرار می‌دهد. زنان بعنوان گروه مورد تبعیض و آسیب‌پذیر جامعه ایران و کردستان و زنان خانواده کولبر بعنوان گروهی که خود از چرخه معیوب محرومیت و عقب‌مانده نگه‌داشتن در کردستان می‌آیند و مجدداً با شرایط و وضعیت «زندگی با کولبری» در این چرخه باقی می‌مانند که زنانی با عنوان «گروهی خاص» و «سبک زندگی تروماتیک» را شکل می‌دهند.

این گزارش نیز براساس یک تحقیق کیفی تلاش کرده بجای تمرکز بر کشتار کولبران، به وضعیت زنان خانواده کولبران بپردازد و سبک زندگی تروماتیک و نقض حقوق انسانی آنها را بررسی کند. این تحقیق از آنجا اهمیت دارد که نمایانگر گستردگی معضل کولبری در جامعه کردستان و ابعاد این عارضه انسانی-اجتماعی است. عارضه‌ای که خوانش وجود کولبری بعنوان ابزار سرکوب و محرومیت‌ساختگی سیستماتیک حکومتی را عمق می‌بخشد و ما را متوجه این خواهد کرد که نگاه «امنیتی» حکومت به کردستان، توجیه عدم توسعه را بدنبال داشته و در این میان «گروه خاصی» از زنان هستند که با درحاشیه قرارگرفتن و عدم توسعه مضاعف گریبان‌گیرند و وضعیت آنها مصداق نقض بارز حقوق بشر و نوعی از بین بردن انسانیت است.

نوع و روش تحقیق؛

این تحقیق کیفی شامل ۹ نمونه آماری از زنانیست که با کولبران زندگی کرده و می‌کنند. (۷ همسر و ۲ مادر کولبران). ۳ زن و ۱ مادر که با فرد معلول کولبری زندگی می‌کنند و ۴ زن و ۱ مادر که فرزند و همسران کولبرشان کشته شده‌اند.

روش تحقیق به شیوه گفتگو بوده و نمونه‌ها بصورت تصادفی انتخاب شده‌اند که زنان شهرو روستاهای استان آذربایجان غربی و کردستان را شامل می‌شود. (طبق آمار رسمی این دو استان از نظر توسعه اقتصادی و انسانی توسعه نیافته هستند)

بدلیل اینکه این زنان نمی‌خواستند یا نمی‌توانستند عمق تاثیر روانی-اجتماعی معضل کولبری بر زندگیشان را روایت کنند؛ اهمیت و درک موضوع ایجاب کرد تحقیق با ۲ روانشناس و جامعه‌شناس از داخل کردستان که بر روی معضل کولبری کار کرده‌اند، ۱ مددکار اداره بهزیستی و ۲ وکیل (از داخل و خارج از ایران) ادامه یابد تا ابعاد روانی-اجتماعی-حقوقی تحقیق بیشتر بررسی شود.

همچنین از آنجا که اشتراکات زیادی بین تمام خانواده‌ها از لحاظ فقر و محرومیت و عدم برخورداری از حمایت‌های حقوق شهروندی و قانونی وجود داشت، لازم دانسته شد نقض حقوق انسانی و اولیه‌شان براساس قوانین و آیین‌نامه‌های حکومت ایران و میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر که جمهوری اسلامی آن را امضا کرده است، بصورت آماری ارائه گردد.

باتوجه به اینکه وضعیت «این گروه خاص» از زنان را لایه‌های مختلف حقوق بشری، اجتماعی و روانی شکل می‌دهد و متاثر از یک امر سیاسی و عدم توسعه سیستماتیک است؛ نتیجه این تحقیق در بخش‌های مختلفی که به شرح زیر است ارائه می‌گردد؛

- درباب پدیده کولبری و تاثیر عدم توسعه سیستماتیک و ادامه‌دار بر این زنان
- نقض حقوق و عدم حمایت قانونی و حقوقی از این زنان براساس قوانین حکومت ایران
- نقض حقوق و عدم حمایت قانونی و حقوقی از این زنان براساس قوانین بین‌المللی
- قراردادن ساختاری و سیستماتیک آنها در «سبک زندگی تروماتیک»
- زنانی با نقش مراقبت‌کننده از کولبران بیمار یا نقض عضو شده
- به حاشیه‌رفتن مضاعف و انزوای بیشتر این زنان در جامعه

- بازنمایی آماری از تعداد این «گروه خاص» از زنان در جامعه کردستان براساس آمار غیررسمی (آمار غیررسمی گردپا از کشته و زخمی شدن کولبران در ۱۱ سال گذشته)

نکته ۱: باید در نظر داشت، این گزارش تنها شامل چند نمونه آماری از زنانی هست که فرزند و همسران کولبران در راه کولبری کشته یا زخمی شده‌اند و نباید از یاد برد زانی که زیر پوست کولبری و با آن زندگی می‌کنند، گروه بسیار بزرگتری را تشکیل می‌دهند که شامل همه خانواده‌هایی است که در آنها کولبر وجود دارد [هنوز] کشته یا زخمی نشده‌اند که البته زنان این خانواده‌ها وضعیت «سبک زندگی تروماتیک» را تجربه می‌کنند که این تحقیق شما را به درک بهتری از آن می‌رساند.

نکته ۲: به دلیل در نظر گرفتن امنیت روانی-اجتماعی این زنان از انتشار نام کامل و محل زندگی آنها در گزارش خودداری می‌شود و تمام اسناد و فایل‌های تحقیق جهت اعتبار آن محفوظ خواهد ماند. به همین دلیل نیز و بعلاوه اینکه با کارشناسی از داخل ایران مصاحبه شده از ذکر نام کامل آنها هم خودداری می‌شود.

درباب پدیده کولبری و تاثیر عدم توسعه سیستماتیک ادامه‌دار بر این زنان:

با روی کار آمدن جمهوری اسلامی در ایران، کولبری تبدیل به یک مسله سیاسی به بهانه تامین «امنیت» در مرزهای کردستان شد که با سیاست‌های تبعیض آمیز، فقر اقتصادی و بیکاری، کولبری تحمیل و رواج پیدا کرد. درحالیکه تکلیف دولت باید ایجاد اشتغال و تامین معیشت مردم باشد، اما حکومت ایران از این امر سر باز زده و مناطق گردنشین را در عدم توسعه و عقب ماندگی پایدار قرار داده است (عدم اجرای اصل ۴۳ قانون اساسی). سیاست گذاری که می‌خواهد کولبری باشد، شلیک گلوله در مرزها باشد و بگوید کردستان ناامن است؛ توجیهی «امنیتی» برای عدم توسعه و سرمایه گذاری در کردستان، آنهم بدلیل اینکه کردستان از ابتدا با روی کار آمدن جمهوری اسلامی مخالف بود. از دیگر سو درگیر شدن مردم با کولبری سطح درخواست مطالبات ذاتی و حقوقی آنها را پایین می‌آورد و شهروندانی کم توقع در اختیار حکومت قرار می‌دهد.

به گفته «ح.ا»، وکیل پایه یک دادگستری: «کولبری نقض فاحش حقوق بشر است، چون کولبران محصول کارکرد غلط و سیاست‌های نادرست و تبعیض آمیز یک حکومت علیه شهروندان خودش است که این چنین پدیدار گشته و با حداقل انطباق اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین با وضعیت کولبری، بطور کامل نقض تک تک معیارها، مواد و مقررات مشاهده می‌شود.

در وضعیت تبعیض مضاعف و نقض فاحش حقوق بشر، کرامت انسانی این شهروندان نیز لگدمال می‌شود. این سیاست سرکوب، برنامه ریزی شده تا کولبران را وادار به کولبری کند، آنها را در تنگنا قرار دهد و موجبات فروپاشی آنها را آغاز کند که نقض فاحش حقوق بشر از لحاظ سیاسی، تاریخی، حقوقی و قانونی است و از این سیاست زنان و کودکان هم در امان نیستند و حقوقشان به شکل سیستماتیک پایمال و نقض می‌شود.»

- به گفته تمام ۹ نمونه آماری، کولبران خانواده این کار را ناچارا انتخاب و اگر راه دیگری داشتند به سراغ کولبری نمی‌رفتند. (عدم اجرای بند ۹ و ۱۲ اصل ۳ و اصل ۲۹، ۴۳ و ۴۸ قانون اساسی)

برخی از نقل قول‌های جامعه آماری:

- « می‌گفتم سخت است، نرو، این راه مین، گوله و مرگ دارد. اما چاره‌ای نداشت، برایش فقط کارگری وجود داشت که آنهم نبود، بهمین دلیل به ناچاری به کولبری روی آورد.»
- « کولبری به هیچ عنوان کار و در شان انسان نیست. اینکه مانند حیوان بر روی خودش بار حمل کند. اما اگر شرایط ناچارت کرد مجبوری.»
- « بهش می‌گفتم نرو، من با کمترین معیشت هم راضیم. اما کرایه نشینی، گرانی و قرض مجبور شد کرد و مشکلات بسیاری داشتیم.»
- « هیچ کار دیگر نداشت، هیچ پولی برای کار دیگری در دست نداشت، طلاهای مرا برای خانه فروخت و همین خانه را داشت و بس... خیلی ناراحت کننده است آدم بر روی کول کاسبی کند. اگر آدم ناچار نباشد چرا این کار را می‌کند.»
- «اگر کار دیگری هم وجود داشت، سرمایه می‌خواست که ما نداشتیم. کولبری مزدش روزانه هست و روزی که کار کند همان روز خرج می‌شود و روزی که به کولبری نرود واقعا پولی نیست.»

- از ۹ مورد، ۷ خانواده جامعه آماری در فقر و بیکاری شدید زندگی می‌کنند، حتی خانواده ۲ کولبر معلول برای هزینه‌های بیمارستان مجبور به درخواست کمک‌های مردمی شده‌اند. از این میان ۲ زن سرپرست خانواده و دختر یکی از کولبران کشته شده با خیاطی زندگی خود را می‌گذرانند. (عدم اجرای بند ۹ و ۱۲ اصل ۳ و اصل ۲۹، ۴۳ و ۴۸ قانون اساسی)

برخی از نقل قول‌های جامعه آماری:

- « واقعا نمی‌توانیم مانند مردم عادی زندگی کنیم، اصلا یادم نمی‌آید کی به تفریح رفته‌ایم، کی باهم بوده‌ایم، کی مسافرتی رفته‌ایم. همیشه وقتی کارگری و کولبری کرده استرس این را داشته‌ام که مشکل و اتفاقی برایش پیش نیاید. شب‌هایی که به مرز رفته تا صبح نخوابیده‌ام، در انتظار اینکه گوشی زنگ بخورد و اتفاقی برای همسرم افتاده باشد. الان هم که همسر مریض و بیمار است. زندگی کولبری یعنی استرس، نارحتی، دلنگرانی، نداری و فقر...»
- « به کمک مسلمانان روزگار می‌گذاریم، الان هم که فرزندانم کمی بزرگ شده‌اند، ترک تحصیل کرده‌اند و شاگرد مکانیک هستند.»
- « آرزوی تهیه لباس مناسب و دلخواه برای فرزندم یا کاپشن و مانتو برای خودم که از پشت بوتیک نگاه کرده‌ام و دوست داشتم مال من می‌بود، اما واقعا بخاطر شرایط زندگی نشد. دوست داشتم همراه همسر و فرزندانم به مسافرت یا جایی بروم که لباس مناسب تنم باشد و واردی جمعی شوم، واقعا نتوانسته‌ام، نتوانسته‌ام مانند انسانی عادی بروم.»
- « آرزو داشتم بچه‌هایم از راه درس خواندن بجایی برسند، اما از فقر و نداری ترک تحصیل کردند، چون آنقدر در مدرسه درمقابل دیگران احساس کمبود و نداری می‌کردند، دیگر نتوانستند به جمع دوستانشان برگردند.»

- حرف تمام این ۹ نمونه آماری از زندگی کولبری؛ فقر، نداری، کمبود، استرس و ناامیدست (عدم اجرای بند ۹ و ۱۲ اصل ۳ قانون اساسی)

برخی از نقل قول‌های جامعه آماری:

- « وضعیت... فقط نارحتی...»
- « پر از غم...»
- « آه، ای خدا، برای کسی پیش نیاید. حالی که برسرمن آمد ای خدا برسر هیچ کس نیاید.»
- « لحظه کشته شدن همسرم به این فکر می‌کردم کاش همه خانواده با هم می‌مردیم.»
- « وقتی همسرم کشته شد از انسان بودن خارج شده بودم و حتی نام خودم را فراموش کردم. اصلا احساس انسان بودن نمی‌کردم و از غم شوک شده بود و قلبم مبهوت.»
- « کولبری دستنگیش بماند؛ بیشترش ترس است، فقط خودم می‌دانم، از وقتی همسرم به کولبری می‌رفت و تا زمان برگشت شب تا صبح ۲ ساعت خوابم نمی‌برد.»
- « خیلی شرایطی بدی است. وقتی به کولبری می‌رفت تا صبح چشم انتظارش می‌نشستم.»
- « خیلی خیلی سخت است. همیشه دلت در مشتت هست که هر لحظه خبر بدی بشنوی.»
- « پسر دیگرم تا ۱ سال و نیم مریض و افسرده شد. خودم هم نگذاشتند، مگر نه مثل دیوانه‌ها سر به کوه می‌گذاشتم.»
- « هیچگونه حقوق انسانی رعایت نمی‌شود، مگر نه این چنین بر سر مردم نمی‌آمد. آرزو هم داریم، ولی فقط خودمان را خسته می‌کنیم و به چیزی نمی‌رسیم.»
- « دیگر چه آرزوی می‌توانم داشته باشم و به دست بیاورم. دیگر بزرگ خانواده از دست رفت.»

- تمام نمونه‌های آماری یک زندگی انسانی و به دور از کولبری و وجود شغلی مناسب برای تامین نیازهای اولیه را از حقوق خود می‌دانند که از آن بهره‌مند نیستند. (عدم اجرای بند ۹ و ۱۲ اصل ۳ و اصل ۲۹، ۴۳ و ۴۸ قانون اساسی)

برخی از نقل قول‌های جامعه آماری:

- «حق ما هم یک زندگی عادی است. اینکه بتوانیم فرزندانمان را تامین و چیزی به دلخواه خودمان برایشان تهیه کنیم وجود نداشته. همیشه در فشار بوده‌ایم، در نداری، در سختی. برای تهیه کفش فرزندانمان مجبور بوده‌ایم از نان و خرجی زندگی بگیریم تا یک

جفت کفش برایش تهیه کنیم. بارها پیش آمده، هفته‌ای تا ۱۰ روز پول نداشته‌ایم نان تهیه کنیم، از مردم قرض گرفته‌ایم. روزهایی بوده که نتوانسته‌ام به فرزندانم نان بدهم و آنها را به مدرسه بفرستم.»

- «دوست داشتم مثل مردم در رفاه باشم و اینقدر در تنگنا و تنگدستی نباشم و بچه‌هایم بی‌دغدغه بودن، وقتی به آنها نگاه می‌کنم ناراحت می‌شوم؛ بچه مردم در جای گرم و نرم تا ظهر می‌خوابند، اما آنها باید با این سرما صبح زود بروند سرکار برای درآمد بسیار ناچیز. هیچ جایی نرفته‌ایم هیچ مسافرت و تفریحی.»

- از ۸ خانواده‌ای که فرزند دارند، ۶ خانواده در تامین هزینه‌ها و مخارج فرزندانشان با مشکلات جدی مواجه هستند و یکی از زنانی که همسرش را از دست داده پسران ۱۵ و ۱۲ ساله‌اش مجبور به ترک تحصیل برای تامین مخارج زندگی شده‌اند. (عدم اجرای بند ۹ و ۱۲ اصل ۳ و اصل ۲۹، ۴۳ و ۴۸ قانون اساسی)

برخی از نقل قول‌های جامعه آماری:

- «در یکی از درس‌ها به فرزندانمان گفته بودند مسافرت کجا رفته‌ای، می‌گفت مادر بگم کجا رفته‌ام، من که تاحالا به مسافرت نرفته‌ام کجا را بگویم و من واقعا نمی‌دانستم چه جوابی به فرزندم بدهم و این یکی از مشکلاتی هست که نمیدانی چه جوابی به فرزندانت بدهی و نمی‌توانی هم راه‌چاره‌ای برایش مشکل پیدا کنی. فرزندان ما وقتی لباس و کیف مناسبی مانند دوستان و همکلاسی‌هایشان ندارند قطعا دوست ندارند وارد جمع آنها شوند.»

- «پسر بزرگترم کلاس زبان می‌رود و و قرار است دست بکشد، چراکه توان پرداخت هزینه‌اش را نداریم. برای مدرسه درخواست وسایلی مانند کفش و لباس و هزینه رفت‌وآمد می‌کنند و الان که بزرگتر شده دوست دارد مقداری پول در جیبش باشد، اما وقتی توانایی نداریم چکار کنیم.»

- از ۹ نمونه آماری، ۴ کولبری که معلول شده‌اند، تمام هزینه‌های بیمارستان را خودشان پرداخت کرده و این وضعیت برای زنان خانواده‌اش بسیار سخت بوده، وقتی هم نان‌آور خانواده زمین‌گیر شده و هم بایستی هزینه‌های گزاف بیمارستان پرداخت شود. (عدم اجرای بند ۹ و ۱۲ اصل ۳ و اصل ۲۹، ۴۳ و ۴۸ قانون اساسی)

برخی از نقل قول‌های جامعه آماری:

- «وقتی همسر زمین‌گیر و مریض شد وضعیت مادی خیلی بدی داشتیم و هزینه بیمارستان را هم نداشتیم. اکنون همسرم بیکار و مریض است و در وضعیتی معیشتی و شرایط بدی هستیم.»

- «احساسات خیلی بدی وجود دارند که اصلا قابل گفتن نیستند. شب‌ها یکبار و روزها یکبار می‌میرم. تا انسان زمین‌گیر نشود نمی‌داند چه می‌گویم و مرگ خیلی بهتر از این زندگی است.»

- از ۹ نمونه آماری، خانواده ۷ کولبر شکایت کرده آن هم صرفا برای دریافت خسارت و دیه اما راه به جایی نبرده‌اند و پرونده‌هایشان سال‌هاست در دادگاه‌ها سرگردان است. (عدم اجرای اصل ۳۴ قانون اساسی)

برخی از نقل قول‌های جامعه آماری:

- «به ما گفتند در خاک عراق کشته شده، به همین دلیل چیزی به شما تعلق نخواهد گرفت.»

- «در دادگاه گفتم فقط می‌خواهم کسی که به همسرم شلیک کرده و فرزندم را بی‌پدر کرده به مجازات برسد، حتی اگر نان شب نداشته باشم.»

- «خون همسرم بی‌گناه ریخته شد، چرا دولت باید هم همسرم را بکشد، هم او را از مرز بیاورد و هم خاکسپاری کند. اگر خودش او را نکشته چطور خیلی زود آوردند و خاکسپاریش کردند. الانم مسولیت کشته شدن برعهده نمی‌گیرد.»

- تمام ۹ نمونه آماری تحت حمایت هیچگونه بیمه و قانونی نیستند. (عدم اجرای اصل ۲۹ قانون اساسی)
- از ۹ نمونه آمار ۳ تن از زنان بیسواد و ۶ تن از ابتدایی تا دیپلم ناقص تحصیل کرده‌اند و محرومیت و عدم توسعه اقتصادی-انسانی در مناطق خود را را دلیل اصلی ترک تحصیل خود دانسته. (عدم اجرای بند ۳ اصل ۳ قانون اساسی)

برخی از نقل قول‌های جامعه آماری:

- « یک زن آرزویش این است که درس بخواند و برای خودش کاره‌ای شود، ولی اگر درس نخواند تنها همسرش است که برایش می‌ماند و مهم است، ولی همسر را کشتند.»

«ش.ز» مددکار بهزیستی در این باره می‌گوید: « فرصت تحصیل در زمان مناسب از آنها گرفته شده و با کتاب و مطالعه بیگانه می‌شوند. در سن پایین ازدواج کرده و بدون هیچگونه آموزشی در این زمینه وارد زندگی مشترک می‌شوند و زندگی برایشان درد می‌شود و شکنجه و باتوجه به اینکه از خانواده پدری سطح پایینی هم به لحاظ اقتصادی می‌آیند زنجیروار دچار کولبری می‌شوند.»

- تمامی زنان جامعه آماری تا سن ۲۰ سالگی ازدواج کرده و چند تن کودک همسر بوده‌اند. چراکه شرایط درس خواندن برایشان مهیا نبوده است. (عدم اجرای بند ۳، ۹ و ۱۲ اصل ۳ قانون اساسی)
- از مجموع ۹ نمونه جامعه آماری، ۴ نمونه با کمک‌های صرف خیرین به زندگی ادامه می‌دهند، ۲ زن و یکی از دختران کولبران نیز خیاطی می‌کنند. (عدم اجرای بند ۹ و ۱۲ اصل ۳ و اصل ۲۹، ۲۱ و ۴۳ قانون اساسی)

نقض حقوق و عدم حمایت قانونی و حقوقی از این زنان طبق قوانین حکومت ایران

به گفته (ع.م) وکیل پایه یک دادگستری: «کولبری در قوانین ایران هیچ جای ندارد و در هیچ کجا به آن اشاره نشده است، نه بعنوان شغل نه بعنوان جرم؛ اما افرادی که کولبری می‌کنند همانند مجرم با آنها رفتار می‌شود با اتهامات خروج از مرز و «قاچاق کالا». کولبران این کار را به هیچ عنوان شغل نمی‌دانند و از سرناچاری و آخرین راه بدنبال آن می‌روند؛ چراکه شغل براساس قانون باید تامین‌کننده معیشت و سلامت جسمی و روحی فرد باشد و کرامت انسانی و سلامت جسمانی را از بین نبرد، اما این وضعیت برای کولبری وجود دارد. علاوه بر این این کار نه کارگاه، نه ساعت کار معین، نه کارفرما و نه استاندارد دارد. پس نه اصول ایمنی و نه بیمه‌ای دارد و نه خسارت به کولبر کشته و زخمی شده پرداخت می‌شود.»

- به هیچکدام از این ۹ نمونه آماری هیچ گونه بیمه‌ای تعلق نگرفته، نه بیمه بیکاری، نه بیمه درمان، نه بیمه معلولیت به کولبرانی که معلول شده‌اند حتی برای یکی از کولبرانی که بر اثر انفجار مین زخمی شده است.

برخی از نقل قول نمونه‌های آماری:

- « هیچگونه بیمه‌ای به ما تعلق نگرفته و تنها کمیته امداد بود که من اصلاً دوست نداشتم دنبالش را بگیرم و می‌گفتم کسانی که زندگی من را ویران و عزیزترین کسم را ازم گرفتن، حالا برم از آنها درخواست پول ناچیزی کنم.»

- به هیچکدام از این زنان حق بیمه بی‌سرپرستی و بدسرپرستی تعلق نگرفته است.
- هیچ نهادی مسولیت زندگی و آینده این زنان و فرزندانشان را در تامین نیازهای اولیه را برعهده نگرفته و آنان عملاً از سیستم‌های جامعه کنار گذاشته شده‌اند.

(عدم اجرای بند ۹ و ۱۲ اصل ۳ و اصل ۲۰ و ۲۱ و ۲۹ و ۳۱ قانون اساسی)

همچنین «قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین» که در سه حوزه بیمه‌ای، حمایتی، و توانبخشی و امدادی براساس اجرای اصل ۲۹ و بندهای ۲ و ۴ اصل ۲۱ (حقوق زنان) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در جهت ایجاد انسجام کلان سیاست‌های رفاهی به منظور توسعه عدالت اجتماعی و حمایت از همه افراد کشور در برابر رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و پیامدهای آن پایه‌ریزی شده، هیچکدام از مفاد این قانون در مورد این گروه از زنان اجرا نمی‌شود و حقوقشان بصورت نظاممند نقض می‌شود. (نقض نظامند بندهای الف تا ز و ط تا ک ماده ۱ خصوصاً با در نظر گرفتن تبصره ۱ و ۲ این ماده/ بندهای الف.د.ه.ز و ح ماده ۴)

براساس بندهای الف.ب و ج ماده ۹ این قانون که بر اصل جامعیت کلیه خدمات این قانون، تامین نیازهای اولیه در ابتدا و سپس کمیت و کیفیت آن و همچنین تضمین و تامین فراگیری برای کلیه احاد ملت تاکید شده است، اما در ارتباط با این «گروه خاص» از زنان خانواده کولبران نقض نظاممند آن را شاهد هستیم.

کمیته امداد تنها جایبست که این زنان می‌توانند برای اندک هزینه‌ای (۳۵۰ تا ۷۵۰ هزار تومان ماهیانه) به آن متوصل شوند. به گفته (ش.ز) مددکار اداره بهزیستی: «بسیاری از این خانواده‌ها بعلت نداشت هیچ حمایتی، از بهزیستی و کمیته امداد سر در می‌آورند و از ۹ مورد نمونه آماری ۸ مورد تحت پوشش اداره بهزیستی هستند.»

نقض حقوق و عدم حمایت قانونی و حقوقی از این زنان طبق میثاق‌های بین‌المللی

براساس مفاد و حقوقی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیان شده، وضعیتی که این زنان در آن قرار دارند ناشی از در محرومیت ساختن و در محرومیت ماندن است که نقض فاحش حقوق بشر است.

براساس بندهای الف.ب.ج.د ماده ۶، ماده ۹، بند ۱ ماده ۱۱ و بند ۱ ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ حق کار، شرایط عادلانه کار، تامین اجتماعی، حق تامین نیازهای اولیه و حق آموزش در مورد نمونه‌های این تحقیق نظام‌مند نقض می‌شود.

همچنین براساس ماده ۱، ۲، ۳، ۲۲، بند الف ۲۳، ۲۴، و بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ برابری، حق زندگی، امنیت اجتماعی، حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی برای رشد شخصیت، شغل آزاد و سزاوار و حمایت در برابر بیکاری، برخورداری از اوقات فراغت، تامین نیازهای اولیه و بهرمندی از تامین اجتماعی در مورد تمام نمونه‌های این جامعه آماری بصورت نظام‌مند نقض شده است.

بدلیل اینکه تمام نمونه‌های آماری این تحقیق درگیر تامین نیازهای اولیه زندگی هستند و آرزوهای آنها به مسافرت‌های عادی و اینکه فرزندانشان درس را تمام کند تقلیل یافته، تنها به مفاد قانونی حق تامین نیازهای اولیه براساس این قوانین بین‌المللی اکتفا شده است.

قراردادن ساختاری و سیستماتیک آنها در «سبک زندگی تروماتیک»

- براساس گفته‌های تمام نمونه‌های آماری، زندگی کولبری یعنی استرس، اضطراب، عدم امنیت، ناامیدی، رنج و... آتن از این زنان (خصوصاً ۲ مادر) افسردگی شدید دارند. همه آنها از دلخوشی‌های خود دست کشیده و تمام هم و غمشان فرزندانشان است.

به گفته (ح.غ)، روانشناس: «وضعیت اشاره‌شده زندگی با کولبری، فشار روانی بسیاری را متوجه خانواده کولبران، خصوصاً زنان می‌کند. این زنان اضطراب و استرس زیادی تجربه می‌کنند و تمام ابهامات و فشار این کار متوجه آنهاست، چراکه کولبری هیچ ثبات و امنیتی ندارد. رنج و ترومای طولانی مدت و پایدار به سبک زندگیشان تبدیل می‌شود که می‌توان نامش را «سبک زندگی تروماتیک» گذاشت. تجربه‌ای از اضطراب، ابهام، پریشانی و بی‌قراری پایدار که با زندگی هیچ نوع دیگری از زنان در جامعه قابل مقایسه نیست.

قرار گرفتن در این شرایط و تکرار آن منجر به فرسودگی روانی-اجتماعی-ذهنی این زنان می‌شود. از جنبه‌های مختلف عملکردشان مختل، به گونه‌ای که نمی‌توانند هدف‌گذاری و آینده خود را پیشبینی و برنامه‌ریزی کنند، در نتیجه احساس می‌کنند عاملیت و فاعلیت خود را از دست داده و در وضعیت منفعلی قرار می‌گیرند که مدام چشم به راه اتفاقی هستند که همسرشان به سلامتی برگردد یا وضعیت بهتر شود و بطورکل امید واهی برای بهتر شدن وضعیت را دارند که از آن مطمئن نیستند، چراکه اصلاً نمی‌توانند پیشبینی کنند که همسرانشان ماه دیگر زنده می‌ماند یا نه. همچنین در خانواده و در ارتباط با همسر و فرزندانش بعنوان مادر و همسر ناآرام و مضطرب هستند. در حوزه اجتماعی فکر می‌کنند از طبقه و گروه متفاوتی هستند و نمی‌توانند با افرادی که تاحدی در زندگیشان برنامه‌ریزی و آینده‌گری دارند خودشان را منطبق کنند، چون از اساس ساختار زندگیشان متفاوت است و احساس طردشدگی و نادیده گرفتن به آنها دست می‌دهد و ارتباطات اجتماعیشان تحت تاثیر آن قرار می‌گیرد و از جامعه جدا می‌شوند. بصورت کلی احساس بی‌کفایتی در زندگی به آنها دست می‌دهد و مدام چشم انتظار اتفاقی بهتر از بیرون هستند، پس هم از لحاظ

فردی، شخصی و اجتماعی و هم از لحاظ ساختاری مختل می‌شوند. زیرا این وضعیت پایدار است و در مرحله‌ای این انسان فرسوده و حتی دچار بیماری‌های سایکوسوماتیک می‌شود، چراکه راهی برای برون رفت از این وضعیت برای آنها وجود ندارد.»

زنانی با نقش مراقبت کننده از کولبران نقص عضو شده در کولبری

• از ۹ نمونه این جامعه آماری ۴ زن و مادر از کولبر معلول شده مراقبت می‌کنند. ۶ زن سرپرست فرزندان کوچکشان هستند.

به گفته (خ.ت) جامعه‌شناس: «کولبری شب و روز و وقت مشخصی ندارد، خانواده را که باید کانون آرامش باشد به کانون پر از استرس و اضطراب تبدیل می‌کند. زنی چشم به راه، که آیا همسرش سالم برمی‌گردد یا نه، آیا توانسته درآمدی کسب کند یا نه؛ همه اینها زندگی را برای یک زن تلخ و دشوار می‌کند. همچنین چون بر کولبران مشکلات جسمی، بیماری و معلولیت تحمیل می‌شود. این زنان باید با شخص بیماری زندگی و از او مراقبت کنند و خانواده مجدداً از یک محل پر از استرس و اضطراب تبدیل به محل نگهداری اشخاص بیمار می‌شود که تمام زحمات آن بر دوش زن هست و زنان باید این کارها را انجام بدهند تا بتوانند زندگی را ادامه دهند. همچنین اگر سرپرست خانواده جان خود را از دست دهد، چون اکثر زنان جوان هستند و ممکن است فرزندان کوچکی داشته باشند، هم برای ازدواج مجدد مشکل خواهند داشت، هم هزینه و مراقبت فرزندان کوچک برعهده آنهاست که باز مشکلات زیادی متوجه آنها می‌گردد.»

همچنین به گفته (ح.غ)، روانشناس: «انسان‌ها در شرایط عادی انرژی‌شان را بصورت متعادل در خدمت اهداف، آرزو، هیجانان و احساساتشان قرار می‌دهند، اما در شرایط روانی این زنان این انرژی متعادل تقسیم نمی‌شود و یک سری نیازها برجسته و یکسری کم‌رنگ می‌شود و اساساً رسالت خود را به گونه‌ای دیگر تعریف می‌کنند. طوری که کارش محافظت، تجربه وضعیت رنج و عذاب و کنار آمدن با این شرایط تنش‌زا و مراقبت از فرزندان در شرایط سخت و کولبران معلول و زخمی شده و تحمل زندگی است. در این وضعیت، دیگر نیازها و احساسات مانند روابط عاطفی با فرزند و همسر، تجربه روابط جنسی بدون استرس با همسر به حاشیه می‌رود. به غیر از این، خود تجربه استرس و نایمی بر نیازهای جنسی و عاطفی تأثیر منفی دارد و آن را کاهش می‌دهد و این در مورد این گروه از زنان سیستماتیک پیش می‌رود. پس باتوجه به تعریف حیثیتی که از کولبری وجود دارد، نقش این زنان حیثیتی می‌شود، انگار نقش آنها تنها مراقب، محافظت و تحمل این وضعیت است و آنها نقش خود را براساس این فضا تعریف می‌کنند. همه این موارد تنش درونی زنان را مضاعف می‌کند، درحالی‌که تامین این نیازها برای هر انسانی به کاهش تنش کمک می‌کند.»

به حاشیه رفتن مضاعف و انزوای بیشتر این زنان در جامعه

«ح.غ» روانشناس در اینباره می‌گوید: «این زنان در جامعه و در ارتباطات اجتماعی به نوعی طرد می‌شوند. زیرا ما جامعه خیلی شلخته و پیچیده‌ای داریم و گروه کولبران در جامعه به آن صورت مورد پذیرش قرار نمی‌گیرند. از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و سبک زندگی، ما اگر سبک زندگیمان هم‌مشکل نباشد، نمی‌توانیم بهم نزدیک شویم. پس این زنان عدم پذیرش اجتماعی و شکاف با طبقه و گروه‌های دیگر را تجربه می‌کنند و این آزاردهنده و خود منبع محرومیت است. زیرا انسان اساساً بعنوان فرد، گروه و ملت در ارتباط با دیگران رشد می‌کند. ولی این زنان دیگری‌ها پذیرششان نمی‌کنند، در نتیجه امکان رشد تحول فرهنگی، فردی، تحصیلی، پایگاه اجتماعی برای آنها کم هست و پویایی را مانند گروه‌های دیگر تجربه نمی‌کنند. آنهم بدلیل سبک و شیوه زندگی سخت کولبری. پس در پویایی فرهنگی، اجتماعی و تحصیلی تاخیر دارند و از اساس مسئله مشترک با دیگر گروه‌ها ندارند. وقتی هم مسئله و دغدغه مشترکی موجود نباشد، امکان تعامل روی نمی‌دهد. بهمین دلیل فرصت رشد و پویایی برای این طبقه محروم وجود ندارد و از تمام زوایای سلامتی، بهداشت، زندگی، روانی و اجتماعی با عقب‌ماندگی مضاعف روبرو می‌شوند.»

در جامعه ما انگار نوعی از فردگرایی ناقص و فرصت‌طلبی وجود دارد. انگار درحالت معلق هستیم که تکلیفمان با سنت و گذشته و ارزش‌های مدرن نامشخص است. بهمین دلیل در نوعی تعارض قرار داریم که نمی‌توانیم ارزشهای انسانی را بصورتی که باید پایه‌ریزی و تغییر دهیم. در اینجاست که فردگرایی و فرصت‌طلبی ناقص درست می‌شود و ارزش‌های نوع دوستی و منافع مشترک شکل نمی‌گیرند. در ارتباط با خانواده کولبران هم این منافع مشترک وجود ندارد. کولبری هم خود نمی‌تواند مبنای هیچگونه تغییر و

تحول و ارزشی باشد، در نتیجه نحوه نگاه افرادی با این فردگرایی و فرصت‌طلبی ناقص به منافع مشترک نمی‌انجامد و به چیزهای سطحی و ناکارآمد تقلیل پیدا می‌کند که توانایی این را ندارد در بطن جامعه کارآمد باشد و انسان دوستی را شکل دهد. در نتیجه این درک و همدلی شکل نمی‌گیرد.»

همچنین «خ.ت»، جامعه‌شناس می‌گوید: «متأسفانه در حال حاضر چون سرمایه اجتماعی در جامعه دچار فروپاشی شده، جامعه زیاد نگران سرنوشت دیگران نیست. اخلاق هم تضعیف شده، چون بحث اصلی اخلاق دیگری و سرنوشت دیگریست. تضعیف اخلاق و تضعیف سرمایه اجتماعی باعث شده سرنوشت دیگری و دیگران برای کسانی که توانسته‌اند امکاناتی را به دست آورند زیاد مهم نباشد. منافع شخصی و خودخواهی‌ها متأسفانه در جامعه بیشتر شده و آنطوری که شاید و باید وضعیت کولبران در جامعه انعکاس پیدا نکرده و مردم برای رفع نیازهای آنها اقدامی جدی نمی‌کنند یا مسولین برای رفع مشکلات آنها اقدام جدی انجام نمی‌دهند. سالهاست کولبران کشته می‌شوند، تعدادی از آنها کشته‌اند، تعداد زیادی زخمی شدند و مشکلات عدیده‌ای برای خانواده بوجود آمده، اما آنطوری که شاید و باید در جامعه بازتاب نداشته و نه مسولین و نه بخش عمده‌ای از جامعه در مورد زندگی کولبران و خانواده آنها احساس مسولیت نمی‌کنند و این برمی‌گردد به ضعف اخلاق و سرمایه اجتماعی که در جامعه وجود دارد. وضعیت جامعه الان هم به گونه‌ای است، چون مشکلات خیلی زیاد است، چون وضعیت اخلاقی در یک حالت بسیار بدی قرار دارد، مردم بیش از آنکه نگران سیه‌روزی‌ها و بدبختی دیگران باشند، سعی می‌کنند به وضعیت زندگی خود برسند یا بعضاً سواستفاده هم کنند، مانند همین باندهای قاچاق که از وضعیت کولبران، نوجوانان و زنان سواستفاده می‌کنند، به این دلیل که هزینه کمتری را به زنان و جوانان می‌دهند در جهت اهداف و منافع شخصی.»

بازنمایی آماری از وجود این «گروه خاص» از زنان در جامعه کردستان براساس آمار غیررسمی:

آمار دقیقی از تعداد کولبران در دسترس نیست. اما آمار نیمه رسمی از وجود ۴۰ هزار کولبر حکایت دارند و یکی از وکلای این تحقیق به بیش از ۱۰۰ هزار کولبر در کردستان اشاره کرد. این یعنی زندگی ۴۰ تا ۱۰۰ هزار خانواده و زن به معضل کولبری گره خورده و آنان را در «سبک زندگی تروماتیک» قرار داده است. همچنین براساس آمار غیررسمی سازمان حقوق بشر گردپا طی ۱۱ سال گذشته (۱۳۹۰-۱۴۰۰) مجموع ۱۷۳۱ کولبر (۵۵۷ کشته، ۱۶۶ زخمی، ۸ مفقودالثری) کشته و زخمی شده‌اند؛ این یعنی ۱۷۳۱ خانواده و زن طی ۱۱ سال گذشته درگیر معضل کولبری بوده و هستند که بخش اعظم آنها زنان هدف این تحقیق‌اند. البته همانطور که اشاره شده زانی که با پدیده کولبری درگیرند گروه بسیار بزرگتری را شامل می‌شوند که کولبر خانواده‌شان تاکنون کشته و زخمی نشده است.

مهم‌ترین چالش‌های تحقیق:

- زمانبری، به دلیل عدم دسترسی مستقیم به نمونه‌ها
- عدم موافقت بسیاری از زنان جهت شرکت در این تحقیقات و گفتگوها
- اعتماد زنان به تحقیق و عواقب آن، به همین دلیل تحقیق توسط رابطینی صورت گرفته که زنان به آنها اعتماد داشته یا محقق و کارش توسط فرد سوم برای گفتگو تایید شده است.
- رابطین داخل باید رعایت موارد امنیتی در رابطه با کار و عاملیت خود را مبنای کار قرار می‌دادند تا از گزند دستگاه‌های امنیتی مصون بمانند و این پروسه کار را طولانی‌تر کرد.
- مستندسازی از ویدیوها و صداهای این زنان، هدف تحقیق را نمایانگرتر می‌کرد، اما جهت حفاظت از امنیتی روانی-اجتماعی این زنان از انتشار ویدیوها، بسیاری از جزئیات و نام آنها خودداری شده است.
- نبود هیچگونه منابع، تحقیق و کار قبلی که به وضعیت و زندگی این زنان پرداخته باشد.
- در رنج زندگی کردن، این زنان را در وضعیتی قرار داده که روایت بسیاری از جنبه‌های زندگی برایشان سخت یا به نوعی بی‌اهمیت شده است.

پیشنهادات تحقیق:

- انجام تحقیقات جامعه‌شناسی و حقوق بشری بیشتر در رابطه با وضعیت این زنان که از قربانیان غیرمستقیم ولی اصلی پدیده کولبری هستند. چراکه در چرخه معیوبی از نقض اولیه حقوق انسانی و اجتماعی قرار گرفته‌اند.
- وضعیت فرزندان خانواده کولبری، آینده و نقض حقوق کودکان در چرخه این آسیب نیز می‌تواند یکی دیگر از موضوعات تحقیقات جامعه‌شناسی و حقوق بشری باشد.
- دلیل عدم برخورداری این زنان از هیچگونه حمایت قانونی و انسانی توسط حکومت و نپرداختن به وضعیت آنها، جامعه مدنی باید در توانمندسازی حداقلی این زنان و برگرداندن آنها به جامعه و عاملیتشان در چرخه این آسیب، مسولیت خود را انجام دهد.

نکته: این گزارش ۹ صفحه‌ای، مختصری از تحقیق انجام گرفته است که تلاش کرده درکی عمومی از وضعیت این زنان را ارائه دهد. گزارش آن را که در بیش از ۲۰ صفحه آماده شده را [اینجا](#) بخوانید. البته جزییات بیشتری از تحقیق در تمام متن و ویدیوی گفتگوها وجود دارد که برای اعتبار تحقیق محفوظ و مستند می‌شود و در صورت لزوم در اختیار نهاد و سازمان‌های حقوق بشری قرار خواهد گرفت.

تهیه و تنظیم: آوین مصطفی‌زاده، کنشگر حقوق بشر و زنان

پیوندها

لینک قوانین مربوطه حکومت ایران و اعلامیه و میثاقین بین‌المللی:

- [قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران](#)
- [قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین](#)
- [اعلامیه جهانی حقوق بشر](#)
- [میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی](#)

لینک دو انیمیشن مربوط به کولبران که با همکاری چند هنرمند و موسسه بنیاد پورزند آماده شده (به هر دو زبان کردی و فارسی)

• <https://t.me/IraneRangarang/24>

• <https://t.me/IraneRangarang/23>